



## بازخوانی امنیت در فرهنگ با تمرکز بر رسانه‌های اجتماعی

گزارش «بازخوانی امنیت در فرهنگ با تمرکز بر رسانه‌های اجتماعی» توسط نظام بهرامی کمیل نوشته شده و دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۶ آن را منتشر کرده است. این گزارش توضیح می‌دهد که امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه و برعکس است.

امروزه و در قرن بیست‌ویکم، جهان به‌مثابه یک دهکده است و مفهوم امنیت نه مانند دوره نخست بعد نظامی-سرزمینی یک‌جانبه دارد و نه مانند دوره دوم ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک‌جانبه، بلکه به دلیل یکدست شدن جامعه جهانی همه مسائل به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شود. به عبارت دیگر در چنین جهانی، امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه و برعکس است. (ص ۶۱)

متأسفانه در جامعه ما گروهی دانسته یا ندانسته به تضاد ارزش‌ها دامن می‌زنند و موضوعی را که در قلمرو تفاوت‌های ارزشی قرار دارد به یک تضاد ارزشی تبدیل می‌کنند و در نتیجه موجب افزایش تهدیدات امنیتی می‌شوند. بسیاری از اقداماتی که با شعار دفاع از ارزش‌ها انجام می‌شود، موجب ایجاد روزافزون تضاد ارزش‌ها شده است. برای مثال موضوع حجاب زنان حتی در بسیاری از کشورهای مسلمان موضوعی است که در قلمرو تفاوت ارزش‌ها قرار دارد؛ در ترکیه، لبنان، مصر، امارات، قطر، اردن، اندونزی، مالزی و حتی پاکستان و سوریه و عراق و... زنان جامعه فارغ از باحجاب بودن یا نبودن، مشغول کار و زندگی‌اند و مشکل خاصی هم وجود ندارد. اما زمانی که در یک جامعه داشتن پوشش اجباری برای همه زنان، به‌عنوان رسالت برای گروه دیگری مطرح می‌شود، موضوع حجاب به حیطة تضاد ارزش‌ها وارد می‌شود. با چنین رویکردی به حجاب، حجاب همواره موضوعی امنیتی و هزینه‌زا برای جامعه خواهد بود و ممکن است در نهایت به بی‌احترامی به ارزشی که خواستار حفظ آن بودیم بینجامد. (ص ۶۴)

یکی از چالش‌های دیگری که اینترنت و امکانات درون آن مانند شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند، افزایش در تسریع تحولات فرهنگی است. البته این ویژگی می‌تواند هم یک تهدید هم یک فرصت باشد تغییر در گفتمان‌های سیاسی و گسترش موج مردم‌سالاری در سراسر دنیا به همراه قابلیت‌های موجود در فناوری‌های نوین ارتباطی باعث شده که استفاده از روش‌های سنتی برای حفظ امنیت کارساز نباشد. در گذشته در دورتادور پادگان‌های نظامی تابلوی عکس‌برداری ممنوع نصب شده بود. امروز و به‌راحتی هر کسی می‌تواند با گوگل ارث تمام این پادگان‌ها را با جزئیات بسیار دقیق و کامل‌تر مشاهده کند. بنابراین تابلوی عکس‌برداری ممنوع امروز کارآیی خود را از دست داده است. در حوزه فرهنگ هم امروزه بسیاری از نظارت‌ها و مجوزهایی که دولت‌ها بر صدور آن‌ها اصرار داشتند حکم همان تابلوی عکس‌برداری ممنوع را پیدا کرده و دیگر با آن سازوکارها نمی‌توان امنیت حوزه فرهنگ را حفظ کرد. (ص ۷۹)

با اینکه سواد رسانه‌ای جایگاه بسیار برجسته‌ای در ایجاد و حفظ امنیت در جامعه دارد، اما به نظر می‌رسد در ایران نقش سواد رسانه‌ای در مبارزه با ناامنی فراموش شده و یا حداکثر به برخی از آموزش‌های غیر انتقادی محدود شده است. (ص ۸۰)

اساساً فیس‌بوک محل مقابله با اصول ثابت و به چالش کشیدن آنهاست. در این محیط، ایده‌ها و اصول ثابت در معرض نقد و شکاکیت قرار می‌گیرند و هیچ نقطه مرکزی و ثابتی در امان از نقد و نظر و شک و تردید باقی نمی‌ماند. نقد و نظر در کنار قابلیت بی‌زمانی و بی‌مکانی فیس‌بوک، سبب تشدید روند تمرکززدایی می‌شود. باز بودن محیط فیس‌بوک بدین معناست که فیس‌بوک همچون سایر شبکه‌های مجازی، خارج از سلطه دولت‌هاست و دولت‌ها فقط می‌توانند از طریق فیلترینگ عضویت افراد در این شبکه‌ها را محدود کنند. اما مدیریت این شبکه‌ها و محتوای منتشر شده در آنها، در دست مدیران آمریکایی این شبکه‌هاست. این موضوع در کنار عضویت رایگان افراد در این شبکه‌ها و از جمله فیس‌بوک سبب شده تا هر نوع سخن، عکس و فیلمی در این محیط منتشر شود. (ص ۸۴)

بدون شک رسانه‌های اجتماعی قدرت تأثیرگذاری و کنشگری افراد را افزایش داده‌اند. کاربران شبکه‌های اجتماعی، از جمله فیس‌بوک، با به اشتراک گذاشتن اخبار، مطالب و خواست‌های خود در فضای مجازی می‌توانند به راحتی جریان‌سازی کنند و در جامعه تأثیرگذار باشند. (ص ۸۶)

در این وضعیت، محیط مجازی عرصه تداخل حوزه خصوصی و عمومی شود. فرد بدون توجه به محدودیت‌های بیرونی همچون عرف و قانون، به هر شکلی که تمایل دارد، در شبکه‌های مجازی و از جمله فیس‌بوک ظاهر می‌شود. این موضوع، گویای مقاومت فرد در قبال قانون و عرف جامعه است. محیط فیس‌بوک مخالفت با الگوهای رسمی جامعه و حکومت را برای فرد عادی جلوه می‌دهد و کم‌کم به ایجاد روحیه مقاومت فرد در قبال این الگوها می‌انجامد. (ص ۸۷)

به سخن دیگر، ویژگی‌های اینترنت و فضای مجازی ایجاب می‌کند که برای حفظ امنیت در این حوزه سرعت و انعطاف‌پذیری مسئولان و مشارکت آگاهانه مردم بیشتر شود. در همین زمینه، پژوهشگران حوزه سیاست، قرن بیست و یکم را عصر دموکراسی مستقیم و دموکراسی مشارکتی می‌دانند که در آن افراد جامعه به احزاب و افراد شناخته شده پشت کرده و به دنبال آزمودن راه‌های جدید هستند. انتخاب ترامپ در آمریکا و مکرون در فرانسه مصادیقی از این وضعیت است. آنچه در اینجا مهم است این است که دیگر نمی‌توان به پشتوانه احزاب قدیمی و یا ایجاد ساختار سلسله مراتبی قدرت؛ امنیت را در فضای سیاسی تضمین کرد. اتفاقاً باید با باز کردن فضای جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های تعامل، گفت‌وگو و نقادی بیشتر امکان ظهور جریان‌های پوپولیستی و فاشیستی را به حداقل رساند. (ص ۹۱)

در واقع در عصر جهانی‌شدن و با گسترش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی بهترین استراتژی سیاسی برای حفظ امنیت، گسترش هرچه بیشتر دموکراسی و فراهم کردن شرایط مشارکت شهروندان در امور جامعه است. هرچند در عمل، حکومت‌ها و قلمروهای جغرافیایی هنوز نقش مهمی ایفا می‌کنند، اما پراکندگی قدرت چیزی است که در این حوزه بارز است. به همین دلیل برخی از کارشناسان اینترنت را به‌عنوان پایان کنترل حکومت‌ها و «مرگ فاصله» ترسیم کردند. (ص ۹۶)

اگر از قدرت و جنگ نرم سخن می‌گوییم و به آن اعتقاد داریم بنابراین باید استراتژی قدرت و جنگ سخت و برخوردهای فیزیکی مانند فیلترینگ و سانسور، بایکوت خبری و عملیات راپل را کنار گذاشت و استراتژی جنگ نرم یعنی اقناع، گفت‌وگو و سواد رسانه‌ای را جایگزین کرد. به نظر می‌رسد اصرار بر استراتژی جنگ سخت در مواجهه با رسانه‌های اجتماعی خود به موضوعی تهدید کننده برای امنیت تبدیل شده است. مردم از نیروی پلیسی که برای جمع‌کردن بشقاب‌های ماهواره عملیات راپل انجام می‌دهد اما در مقابل اسید پاشی کاری نمی‌کند رضایت ندارند و این عدم رضایت و بی‌اعتمادی تهدید امنیتی بزرگی است که باید فکری برای آن کرد. (ص ۹۹)